

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

مطالبی که از خود آیه شریفه استفاده می‌شد تا آن حدی که در توان ما بود و فهمیدیم عرض کردیم. و بنا شد که بعضی از روایاتی که مربوط به این آیه شریفه است را عنوان بکنیم. روایت ابی الجارود را در بحث دیروز خواندیم و دلالت آن روایت يك دلالت واضحی بود که مراد از آن «ماظهر» همان زینت ظاهره است و نتیجه این می‌شود که در آیه «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» بعد الاستثناء آنچه که ابدایش حرام است همان زینت باطنه است.

اما عرض کردیم سند آن روایت مشکل دارد و بین علی بن ابراهیم و ابی الجارود (علاوه بر اینکه در خود ابی الجارود اختلاف وجود دارد) بین اینها افرادی محذوف هست.

بررسی روایت دوم

روایت دوم از علی بن جعفر است که می‌گوید: «و سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ مَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ مِنَ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَهُ قَالَ الْوَجْهَ وَالْكَفَّ وَ مَوْضِعُ السَّوَارِ» علی بن جعفر از موسی بن جعفر نقل می‌کند که کسی از حضرت سؤال کرد يك مردی که می‌خواهد نگاه کند به زنی که لا تحل له یعنی زن غیر محرم، زنی که محرم او نیست و می‌خواهد نگاه بکند ما یصلح له ان ينظر اليه چه مقدار است.

حضرت در جواب فرمودند: وجه و کف و موضع النگو.

صاحب جواهر به این روایت استدلال کرده با اینکه صاحب جواهر فرموده است که این روایت معتبر است اما در سندش عبدالله بن حسن هست، که از عبدالله بن حسن نه توثیقی دارد و نه مدحی دارد.

حالا با قطع نظر از این اشکال سندی «ما یصلح له ان ينظر اليه» می‌فرماید: وجه و کف و موضع سوار است. این روایت را در بعضی از کتب فقهی هم حتی در ذیل این آیه شریفه عنوان کرده‌اند ما قبلاً عرض کردیم که اینگونه روایات را نمی‌توانیم بعنوان تفسیر این آیه قرار بدهیم؛ سؤال کرده مردی از موسی بن جعفر که مرد به زن نا محرم تا چه مقدار می‌تواند نگاه بکند؟ حضرت در جواب مسئله وجه و کف و موضع سوار را عنوان فرمودند اما اینکه بگوییم این وجه و کف و موضع سوار تفسیر برای «ما ظهر» در آیه شریفه است این چنین نیست.

در آن روایت ابی الجارود کف و سوار بود اما در يك دانه روایت که وجه را بعنوان «ما ظهر» و مصداق برای «ما ظهر» بیان کرده باشد ما پیدا نکردیم، ولو این که قائل شدیم که این «الا ما ظهر منها» اینجا وقتی می‌گوییم مراد زینت ظاهره است، زینت ظاهره عبارت از همین خاتم و کحل و... است، به دلالت التزامی مواضع اینها را هم روشن می‌کند که ابدایش اشکال ندارد.

اما این روایت این چنین نیست که بگوییم الوجه و الکف و موضع السوار تفسیر برای این «ما ظهر» در آیه شریفه است.

استظهار مرحوم محقق خوئی از روایت

اینجا مرحوم محقق خوئی (قدس سره)^[51] يك بیانی در مورد این روایت دارند می‌فرمایند: «المرأة التي لا تحل له» یعنی «المرأة التي لا تحل له نکاحها» زنی که ازدواج با او حرام است و در نتیجه روایت را بطور کلی از باب نظر به اجنبیه ساقط کرده‌اند؛ می‌فرمایند روایت دلالت بر نظر به اجنبیه ندارد؛ روایت می‌گوید آن زنی که نکاحش حرام است، زنی که نکاحش حرام است محارم است، می‌گوید به محرم خود انسان مثل مادر، خواهر، عمه، خاله چقدر میشود نگاه کرد، لذا فرموده‌اند «فلا یبقی لها ارتباط به محل کلامنا» که محل کلام ما اجنبیه است.

بعد يك مطلب بالاتری هم استنباط فرمودند، فرموده‌اند بلکه امکان دارد ما استفاده کنیم حرمت از این روایت حرمت نظر به اجنبیه حتی به وجه و کفینش را؛ چون وقتی در مورد محرم فقط وجه و کف و موضع السوار اجازه داده شده است جواز نظر به محرم در همین محدوده است فقط. آن وقت نتیجه می‌گیریم پس این اختصاص به محرم دارد در غیر محرم به وجه و کفینش هم نمی‌شود نگاه کرد.

بررسی کلام مرحوم محقق خوئی

به نظر ما این بیان شریف ایشان قابل مناقشه است در روایت ندارد «من المرأة التي يحرم نکاحها» در روایت دارد: «من المرأة التي لا تحل له» ما اینطور معنا می‌کنیم به نظر ما معنای روشن عرفی اش یعنی «لا تحل له ان ينظر اليها». سؤال این است می‌گوید از زنی که آدم می‌داند نباید به او نگاه بکند، به بدن زن و به موی سر، اینها همه مسلم بوده و می‌دانسته يك استثنای وجود دارد. این نکته را خوب دقت کنید که رواتی که از ائمه (ع) سؤال می‌کردند غیر از این مردم معمولی هستند که می‌آیند از يك مجتهدی سؤال می‌کنند، ما باشیم و این روایت می‌گوییم: 1- این لا تحل له یعنی لا تحل ان ينظر اليها، زنی که حلال نیست که آدم به او نگاه بکند یعنی زن اجنبیه.

2- معلوم می‌شود در ذهن سائل بوده که مسلم به زن اجنبیه به یک مقدار از بدنش می‌شود نگاه کرد اما دقیق نمی‌دانسته از امام سوال میکند ما یصلح له ان ينظر اليه کجاست؟

پس اصل این که - این نکته خیلی دقیقی است - در ذهن روات و اصحاب ائمه (ع) مسلم بوده که يك مواضعی در اجنبیه استثناء است؛ حالا از امام کاظم (ع) سؤال می‌کند مواضع کجاست! «ما یصلح له ان ينظر اليها» کجاست؟ پس آنچه که مرحوم آقای خوئی فرموده‌اند «المرأة التي لا تحل له» را به مرأه که یحرم نکاحها معنا می‌کند، چه قرینه‌ای داریم بر این معنا؟! اولاً برای فرمایش ایشان چه شاهد و قرینه‌ای وجود دارد! این يك استظهاری بوده که ایشان فرموده‌اند «من المرأة التي يحرم نکاحها» قرینه‌ای ندارد.

قرائن موجود بر تفسیر حضرت استاد

ما بر تفسیر مان قرینه هم داریم!

قرینه اول خود کلمه «ان ینظر» که قبلش آمده خودش قرینه است.

قرینه دوم این است که از صدر اسلام مسلم بوده که دیدن شعر محارم مانعی ندارد.

حالا باید گفت که تعجب از خود ایشان هست اما ایشان فرموده: «فمن العجب من صاحب الجواهر الاستدلال بها على الجواز» اتفاقاً عجب از این فرمایش شماست! که شما می‌آید روایت را از اجنبیه خارج می‌کنید و می‌برید در باب محارم و بعد هم این چنین نتیجه‌گیری می‌کنید!

پس این روایت هم لازم بود اینجا در ذیل این آیه شریفه مطرح بشود ولو که عرض کردم روایت به آیه شریفه ارتباطی ندارد. این روایت دلالت خیلی واضحی دارد که در مورد اجنبیه است با قرائن و نکاتی که بیان کردیم ربطی به محارم ندارد. روایت دیگر وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح، باب 109، حدیث 2، صحیح فاضل است که يك مقداری در دلالت آن روایت بحث است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] □ و فيه: أنَّها ضعيفة سنداً بعبد الله بن الحسن، إذ لم يرد فيه أي توثيق أو مدح. على أنَّها واردة في المرأة التي يحرم نكاحها، و من الواضح أنَّها ليست إلَّا المحرم فلا يبقى لها ارتباط بمحل كلامنا، أعني الأجنبية. بل يمكننا استفادة الحرمة منها، نظراً إلى تخصيص الجواز بالمحارم، فمن العجيب من صاحب الجواهر (قدس سره) الاستدلال بها على الجواز. (موسوعة الإمام الخوئي، ج 32، ص: 44)